



## شریعت الهی تنها در ظرف اختیار انسان معنادار است

به باور استاد دانشگاه تهران، اصل و اساس تشریح دین بر مبنای اختیار انسان است و اگر انسان دارای اختیار نباشد، تشریح دین بیهوده و عبث خواهد بود و اگر قضا و قدر باعث سلب اختیار بشر شود، ثواب و عقاب و امر و نهی الهی بی‌معنا خواهد شد.

به باور استاد دانشگاه تهران، اصل و اساس تشریح دین بر مبنای اختیار انسان است و اگر انسان دارای اختیار نباشد، تشریح دین بیهوده و عبث خواهد بود و اگر قضا و قدر باعث سلب اختیار بشر شود، ثواب و عقاب و امر و نهی الهی بی‌معنا خواهد شد.

#171؛ منصور پهلوان»، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در نشست #171؛ انسان در عین مختار بودن مجبور است؟!» از سلسله نشست‌های تخصصی دومین جشنواره مطالعات قرآنی دانشجویان ایران اظهار کرد: اگر یک انسان در جامعه فاسدی قرار بگیرد، هر کاری که انجام بدهد، در آن چارچوبی است که اراده او و ویژگی‌های وراثتی او اقتضا می‌کند.

وی افزود: اگرچه جامعه نیز در ویژگی‌های رفتاری او تأثیر دارد، ولی این اختیار خود انسان است که می‌تواند او را کمک کند تا از میان نقش‌های مختلف یکی را برگزیند و بر اساس آن عمل کند. ویژگی‌های وراثتی فرد نیز نمی‌تواند بر اراده فرد، غالب شود و شاهد ساده‌ای بر این مدعا این است که بسیاری موارد دیده شده که دو شخص که در یک خانواده تربیت شده‌اند، ولی دارای خصوصیات متفاوتی هستند و این نشان‌دهنده این است که اراده هر شخصی بر تمام خصوصیات محیطی و وراثتی غالب است.

استاد دانشگاه تهران عنوان کرد: در کتاب #171؛ منشور عقاید امامیه» که از آثار آیت‌الله سبحانی است، چهار دلیل عقلی برای اثبات اختیار بیان شده است، اولین دلیل #171؛ وجدان» است، به این معنا که هر شخصی با وجدان خودش درمی‌یابد که دارای اختیار است و می‌تواند کاری را انجام بدهد یا انجام ندهد.

وی تأکید کرد: مولوی می‌گوید #171؛ این‌که گویی این کنم یا آن کنم، خود دلیل اختیار است ای صنم»، این شعر به بحث وجدان انسان اشاره دارد که هر کس اختیار را به شعور شخصی خود وجدان می‌کند. اگر انسان مجبور بود، احساس این‌که توانایی دارد تا کاری را انجام بدهد یا انجام ندهد، به او دست نمی‌داد و اصلاً انسان در مرحله تصمیم‌گیری قرار نمی‌گرفت.

وی با بیان آیه شریفه 3 از سوره مبارکه انسان، عنوان کرد: این‌که خدای متعال چنین چیزی را به انسان نسبت می‌دهد، یکی دیگر از نشانه‌های اختیار است #171؛ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس».

وی اضافه کرد: دلیل دوم برای اثبات اختیار، #171؛ ستایش‌ها و نکوهش‌ها» است، وقتی که ما یک شخص را که دارای افعال حسنه است، ستایش می‌کنیم و شخص دیگری را که فعل ناصوابی مرتکب شده، نکوهش می‌کنیم، اگر اشخاص در انجام افعال صواب و ناصواب مجبور باشند، تمجید و نکوهش آن‌ها چه جایگاهی خواهد داشت؟

نویسنده کتاب #171؛ فرهنگ واژگان نهج‌البلاغه» تأکید کرد: البته ما در انجام دادن تمام کارها مختار نیستیم، قرآن کریم در آیه شریفه 68 از سوره مبارکه قصص می‌فرماید: #171؛ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ؛ و پروردگار تو هر چه را بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند و آنان اختیاری ندارند» در اصل خلقت، انسان هیچ اختیاری نداشته است، این‌که انسان به دنیا قدم بگذارد یا خیر، در این مطلب نیز انسان هیچ دخالت و اختیاری نداشته است.

وی با بیان شعر #171؛ ما نبودیم و تقاضامان نبود، لطف تو بر ما عنایت‌ها نمود»، تصریح کرد: همان‌طور که به دنیا آمدن انسان در اختیار او نیست، از دنیا رفتن او نیز از حوزه اختیار او خارج است. سومین دلیل برای اثبات اختیار، #171؛ شرایع و ادیان» هستند، اصل و اساس تشریح دین بر مبنای اختیار است و اگر انسان، دارای اختیار نباشد، تشریح دین، بیهوده و عبث خواهد بود.

استاد پهلوان افزود: به عنوان نمونه، این‌که در دین به راستگویی توصیه شده به این دلیل است که انسان دارای اختیار است و می‌تواند راست یا دروغ بگوید. اگر انسان مجبور به دروغ گفتن باشد که توصیه به راستگویی در دین معنا نخواهد داشت. در نهج‌البلاغه شریف آمده است که اگر قضا و قدر باعث سلب اختیار بشر شود، مقوله ثواب و عقاب و امر و نهی الهی بی‌معنا خواهد شد.

وی با بیان این‌که اگر اختیار نباشد، انسان گناه‌کار نمی‌تواند گناه‌کار نباشد، تأکید کرد: در این صورت انسان نیکوکار نیز نمی‌توانسته نیکوکار نباشد؛ بنابراین بهشت رفتن برای انسان نیکوکار و جهنم رفتن برای انسان گناه‌کار بیهوده خواهد بود و اعمال انسان‌ها بر اساس طینت، ذات و آنچه برای او مقرر شده خواهد بود و با این فرض، ثواب و عقاب جایز نخواهد بود.

این استاد دانشگاه تهران با بیان این‌که با پذیرش جبر، تمام دستورات دین از جمله امر به معروف و نهی از منکر بی‌معنا می‌شود و دعوت به حق، حقیقت و دیانت نیز عبث خواهد بود، تأکید کرد: چهارمین دلیل برای اثبات اختیار، &#171#راه و روش مصلحان» است. مصلحانی که در جامعه به پا می‌خیزند و برای ایجاد حرکتی نو قیام می‌کنند و برای دگرگونی جامعه تلاش می‌کنند، این‌ها نشانه این است که انسان مجبور نیست و با استفاده از اختیار خود می‌تواند کاری را انجام بدهد یا آن را ترک کند.

وی افزود: حالا که با این دلایل چهارگانه اختیار انسان اثبات شد، اگر انسان، گناه‌کار است خودش مقصر است؛ چون می‌تواند خوب باشد و اصلاً شرایع برای این منظور آمده‌اند. در کتاب &#171#البیان» مرحوم آیت‌الله خوئی یک فصل درباره همین مسئله آمده است و درباره آیه شریفه 29 از سوره مبارکه تکویر &#171#وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ و تا خدا پروردگار جهان‌ها نخواهد [شما نیز] نخواهید خواست» و آیات شبیه به آن بحث شده است.

وی با اشاره به این‌که آیه مذکور درباره اولیاء الهی و ائمه معصومین (ع) است، عنوان کرد: این آیه شریفه می‌خواهد این را بفرماید که اولیاء الهی چیزی نمی‌خواهند، مگر آن چیزی که خدای متعال برای آن‌ها خواسته است. مثلاً آن روایاتی که نقل شده در رابطه با امام حسین (ع) که &#171#إِنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا؛ خداوند این‌طور خواسته که تو را کشته ببیند»، امام حسین (ع) نیز همان چیزی را می‌خواهد که خدای متعال برای او خواسته است و حضرت (ع) بر خلاف مشیت الهی حرکت نمی‌کنند.

نویسنده کتاب &#171#پژوهشی در زمینه کتاب کافی و مؤلف آن» تصریح کرد: البته این‌طور نیست که همه انسان‌ها بر اساس شریعت و دستورات الهی عمل کنند و خدای متعال هم بنا ندارد که جلوی چنین افرادی را بگیرد، مشیت الهی بر این تعلق گرفته که انسان در دنیا مطابق اراده و اختیار خودش عمل کند.

وی عنوان کرد: اگرچه این دنیا جای عمل است، ولی قرآن کریم در آیات شریفه 25 و 26 از سوره مبارکه غاشیه می‌فرماید: &#171#إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ؛ در حقیقت بازگشت آنان به سوی ماست، آنگاه حساب [خواستن از] آنان به عهده ماست».